

www.kandoocn.com

تفسیر سوره

www.kandoocn.com

(شعرا)

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

بخش اول

اجمالی از سوره شعرا:

- نام این سوره از چند آیه آخر آن که پیرامون شعرای بی هدف سخن می گوید گرفته شده است.

- این سوره ۲۲۷ آیه دارد، تمام این آیات (به جز چهار آیه آخر آن) در مکه نازل شده است. لحن این آیات مانند دیگر سوره های مکی بیشتر روی اصول اعتقادی، توحید، معاد و دعوت پیامبران خدا و اهمیت قرآن تاکید شده است. در حدیثی از

پیامبر اسلام (ص) در اهمیت تلاوت این سوره چنین می خوانیم: کسی که سوره شعرا را بخواند، به عدد هر کسی که نوح را تصدیق و یا تکذیب کرده است، ده حسنه برای او خواهد بود، و همچنین هود، شعیب و صالح، ابراهیم و به عدد تمام کسانی که تکذیب عیسی و تصدیق محمد(ص) کرده اند.

ناگفته روشن است که این همه اجر و پاداش تنها برای تلاوت منهای اندیشه و عمل نیست، بلکه قرائن متعددی در روایات فضائل سوره ها است که نشان می دهد، منظور تلاوتی است که مقدمه تفکر و سپس اراده و عمل باشد.

محتوای سوره:

در حقیقت می توان محتوای این سوره را در چند بخش خلاصه کرد:

بخش اول: طلوعه سوره است که از حروف مقطعه و سپس عظمت مقام قرآن و تسلی

خاطر پیامبر در برابر پافشاری و خیره سری مشرکان و اشاره ای به بعضی از نشانه

های توحید و صفات خدا سخن می گوید.

بخش دوم: فرازهایی از سرگذشت هفت پیامبر بزرگ و مبارزات آنها را با قومشان

ولجاستها و خیره سری های آنان را در برابر این پیامبران بازگو می کند، که بعضی

مانند داستان موسی و فرعون مشروحتر و بعضی دیگر مانند سرگذشت ابراهیم و نوح

و هود و صالح و لوط و شعیب کوتاهتر است.

بخش سوم: که در حقیقت جنبه نتیجه گیری از بخشهای گذشته دارد، پیرامون پیامبر

اسلام (ص) و عظمت قرآن و تکذیب مشرکان و دستوراتی به آن حضرت در زمینه

روش دعوت و چگونگی برخورد با مومنان سخن می گوید و سوره را با بشارت به

مومنان صالح و تمدید شدید ستمگران پایان می دهد.

www.kandoocn.com

www.kandoocn.com

بخش دوم :

بررسی آیات سوره مبارکه شعراء

(از نظر مباحث تربیتی)

بسم الله الرحمن الرحيم

۱- طلسم: طا - سین - میم

روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) یا بعضی از صحابه در تفسیر "طسم" نقل شده که همه نشان می دهد، این حروف علامتهای اختصاری از نامهای خدا، یا نامهای قرآن، و یا مکانهای مقدس و یا بعضی از درختان بهشتی و مانند آن است. (تفسیر نمونه - مکارم شیرازی).

۲- تلک آیات الكتاب المبين (این آیات کتاب مبین است.)

اصل تعقل.

نکته تربیتی: توصیف قرآن به مبین که در اصل از ماده بیان است اشاره به آشکار بود عظمت و اعجاز آن می باشد که هر چه انسان در محتوای آن بیشتر دقت کند به معجزه بودنش آشناتر می شود. از این گذشته قرآن بیان کننده "حق" از "باطل" و آشکار کننده راه سعادت و پیروزی و نجات از گمراهی است.

۴- ان نشا تنزل علیهم من السماء آیه فظلت اعنا قهم لما خاضعین.

(اگر ما اراده کنیم از آسمان بر آنها آیه ای نازل می کنیم که گردنهایشان در برابر آن خاضع گردد.)

اصل عدل - روش انذار

نکته تربیتی:

اشاره به اینکه ما این قدرت را داریم که معجزه خیره کننده، یا عذاب شدید و وحشتناکی بر آنها فرو بفرستیم که همگی بی اختیار سرتعظیم در برابر آن فرود آورند و تسلیم شوند. ولی این ایمان اجباری ارزشی ندارد، مهم آنست که آنها از روی اراده و تصمیم و درک و اندیشه در برابر حق خاضع گردند.

۵- و ما یا تیهام من ذکر من الرحمان محدث الاکانواعنه معرضین.

(و هر ذکر تازه ای از سوی خداوند رحمان برای آنها بیاید، از آن اعراض می کنند.)

اصل عنایت و اصل جمل عامل انکار

نکته تربیتی:

تعبیر به "ذکر" اشاره به این واقعیت است که قرآن بیدار کننده و آگاه کننده است، در

تمام آیات و سوره هایش، اما این گروه از بیداری و آگاهی فرار می کنند.

و تعبیر به "الرحمان" اشاره به این است که نزول این آیات از سوی پروردگار از

"رحمت عامه" او سرچشمه می گیرد که همه انسانها را بدون استثناء به سعادت و

کمال دعوت می کند.

۶- فقد کذبوا فیسا تیهام انباء ماکانوا به یتتهزئون.

(آنها تکذیب کردند، اما به زودی اخبار آنچه را به استهزاء می گرفتند به آنان می رسد - و از مجازاتش با خبر خواهند شد-)

اصل عدل - روش انذار

نکته تربیتی: انذار به معنی آگاهاندن نسبت به امری است که در آینده رخ می کند و مایه زجر و عذاب او خواهد بود. انذار روشی مبتنی بر اصل عدل است. طبق اصل عدل، خداوند آدمیان را به سبب بدکرداری، دچار مجازات و عذاب می سازد، اما مقتضای عدل آن است که پیش از وقوع مجازات آگاهی کافی نسبت به آن ایجاد شود. بر اساس روش انذار، باید صبری با آگاهی مناسبی که از اعمال متبری و آثار مترتب بر آن دارد، او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه کند و وی را از آن برخوردار دارد.

۷- اولم یروا الی الارض کم انبتنا فیها من کل زوج کریم.

(آیا نگاه نکردند، چه بسیار گیاهان از انواع مختلف، نر و ماده، زیبا و جالب و پرفایده در آن آفریدیم).

اصل تعقل - روش تعلیم حکمت

نکته تربیتی: این آیه، یکی از معجزات علمی قرآن است، در اواسط قرن ۱۸ میلادی، شخصی به نام "لینه" دانشمند و گیاهشناس معروف سوئدی، موفق به کشف این واقعیت شد که مساله زوجیت در دنیای گیاهان تقریباً یک قانون عمومی است و گیاهان نیز همانند غالب حیوانات از طریق آمیزش نطفه نر و ماده بارور می شوند و سپس میوه می دهند.

ولی قرآن مجید قرن ها قبل از این دانشمند کراراً در آیات مختلف به زوجیت در جهان گیاهان اشاره کرده (در آیات مورد بحث و در سوره رعد و آیه ۴، و لقمان آیه ۱۰ و سوره ق آیه ۷) و این خود یکی از معجزات علمی قرآن است.

۹- و ان ربك لهو العزيز الرحيم.

(پروردگار تو عزیز و رحیم است)

اصل عنایت (فضل)

نکته تربیتی:

"عزیز" به معنی قدرتمندی است که شکست ناپذیر است. هم توانایی بر ارائه آیات بزرگ دارد و هم درهم کوبنده تکذیب کنندگان است، ولی با این حال رحیم است و رحمت واسعه اش همه جا را فراگرفته، و بازگشت جدی به سوی او در یک لحظه کوتاه کافی است که تمام نظر لطف او را متوجه انسان سازد و بر گناهان گذشته اش قلم عفو کشد. طبق این اصل، رفتار مربی در قید رفتار مبری نیست، بلکه بر پایه اصالت رحمت، ابزار می شود. روش های تربیتی بر فضل و رحمتی از سمت مربی مبتنی خواهد بود.

۱۳- و یفیک صدري و لاینطلق لسانی فارسل الی هارون.

(وسینه ام تنگ می شود و زبانم به قدر کافی گویا نیست) به برادرم (هارون نیز

رسالت ده - تا مرا یاری کند.)

اصل اصلاح شرایط - روش زمینه سازی

نکته تربیتی:

طبق این روش باید شرایطی را که تسهیل کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب هستند، از پیش به عفو مقتضی دگرگون کرد، زمینه سازی دو وجه دارد، یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه ای که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می دهد، است.

۱۵- قال کلا فاذهبا بایاتنا انا معکم مستمعون.

(فرمود چنین نیست - آنها کاری نمی توانند انجام دهند - شما هر دو با آیات ما بروید ما با شما هستیم و - سخنانتان را - می شنویم).

اصل عنایت:

نکته تربیتی:

در مورد " انا معکم " (ما با شما هستیم)، بعضی به اشتباه گمان کرده اند که کلمه " مع " کلمه دلیل برحموایت و مساعدت است، شامل فرعونیان نمی شود. این کلمه بع معنی حضور دائم پروردگار در همه صحنه ها است، او حتی با گنهکاران و حتی با موجودات بی جان همه جا بوده و هست و جایی از او خالی نیست.

۲۱- ففررت منکم لما خفتکم فوهب لی ربی حکما و جعانی من المرسلین.

(من به دنبال این حادثه هنگامی که از شما ترسیدم فرار کردم، و خداوند به من علم

و دانش بخشید و مرا از رسولان قرار داد.)

اصل تعقل - روش تعلیم حکمت

نکته تربیتی:

قرار دادن انسان در مسیری که در آن به حکمت دست یابد، به منزله شیوه ای برای

تربیت عقلانی اوست، مربی باید سیری را همراه با مربی بیاماید و او را در معرض

علم و حکمت قرار دهد. با حصول حکمت، عقل فربه می شود و بنیه ای استوار می

یابد و شکوفایی عقل در فراهم آمدن چنین بنیه ای است.

۲۴- قال رب السماوات و الارض و ما بینهما ان کتم موقنین.

(گفت او پروردگار آسمانها و زمین و آنچه در میان این دو قرار گرفته است، می باشد،

اگر شما راه یقین می پوئید).

اصل تعقل

نکته تربیتی:

جمله "ان کتم مومنین" ممکن است اشاره به این مطلب باشد که موسی می خواهد

تلویحاً به فرعون و بارانش بفهماند اگر در جستجوی حقیقت باشید و صاحب عقل و

شعرو، همین استدلال که کردم کافی است، کمی چشمتان را بگشائید و ساعتی در این

آسمانهای وسیع و زمین گسترده و آثارش بیندیشید تا دانستنیها را بدانید و جهان بینی خود را تصحیح کنید.

۲۸- اقل رب المشرق و المغرب و مابینهما ان کتم تعقلون.

(گفت: پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان این است، می باشد. اگر شما عقل و

اندیشه خود را به کار می گرفتید)

اصل تعقل - روش تعلیم حکمت

نکته تربیتی:

حضرت موسی (ع) نخستین بار اشاره به تدبیر آسمانها و زمین کرد. ولی از آنجا که

آسمان بسیار بالاست و زمین، بسیار اسرار آمیز، لذا در آخرین مرحله انگشت روی

نقطه ای گذاشت که هیچکس را یارای انکار آن نیست، و انسان همه روز با آن سر و

کار دارد، و آن نظام طلوع و غروب آفتاب و برنامه دقیقی که در آن وجود دارد، و

احدی نمی تواند ادعا کند من تنظیم کننده آنم.

هر گاه پدیده های هستی و امور و مسائل آدمیان به گونه ای تبیین شود که وجه ارتباط

و انتساب آن به خدا آشکار شود. زمینه علم، فراهم می آید و با حصول عملن تعقل

ممکن می شود.

۳۰- قال او لو جئتک بشيء مبین.

(موسی گفت: حتی اگر نشانه آشکاری برای رسالتم برای تو بیاروم؟)

اصل اصلاح شرایط - روش زمینه سازی

نکته تربیتی:

حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیتهای می روید و از آنها ارتزاق می کند، از این رو شرایط و موقعیتهای مختلف، حامل بالقوگیهای متفاوتی در شکل دهی حالات و اعمال انسان هستند. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه ها و شرایط، به مثابه عامل " تسهیل کننده" ای است که امکان شکل گیری ها و شکل دهی های مطلوب را بالا می برد. طبق این روش باید شرایطی را که تسهیل کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب هستند، از پیش به نحو مقتضی دگرگون کرد.

۳۲- فالقی عصاه فاذا هی ثعبان مبین

(در این هنگام موسی عصای خود را افکند و مار عظیم و آشکاری شد.)

۳۳- و نزع یده فاذا هی بیضاء للناظرین.

(و دست خود را در گریبان فرو برد و بیرون آورد در برابر بینندگان، سفید و روشن بود.)

اصل اصلاح شرایط - روش تغییر موقعیت

نکات تربیتی آیات ۳۲ و ۳۳:

از آنجا که شرایط مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی، مبدا تاثیرگذارهای متفاوتی بر انسان است. برای ایجاد حالات مطلوب در وی لازم است روابط او با شرایط مزبور را دچار تغییر سازیم. تفاوت این روش با روش زمینه سازی که در آیه ۳۰ به آن اشاره

شد، در آن است که زمینه سازی، مبتنی بر بالقوه گی های بلند دامنه در شرایط مختلف است، اما در روش حاضر، آنچه بیشتر مد نظر است، جنبه بالفعل موقعیتها و موقعیتها و تاثیر آفرینی آنها است.

۳۴- قال للملا حوله ان هذا لساحر علیم.

(فرعون به گروهی که اطراف او بودند گفت: این ساحر آگاه و ماهری است.)

اصل جلم عامل انکار

نکته تربیتی:

این اصل بیانگر آن است که در بسیاری موارد، انکار و نفی ناشی از نادانی افراد به جنبه های مختلف یک موضوع است. با توجه به این اصل مربی این آگاهی را پیدا می کند که برخی اوقات عدم پذیرش تعلیمات وی ناشی از زمینه های نادانی متبری است.

۴۲- قال نعم و انکم اذا لمن المقربین.

(فرعون گفت: آری - هر چه بخواهید می دهم - بعلاوه شما در این صورت از مقربان

درگاه من خواهید بود)

اصل فضل - روش مبالغه در پاداش

نکته تربیتی:

این تعبیر نشان می دهد که قرب به فرعون تا چه در آن محیط و جامعه دارای اهمیت بوده که او به عنوان یک پاداش بزرگ از آن یاد می کند. اصل فضل ایجاب می کند که

اگر از متربی، عمل مطلوبی (هر چیز ناچیز) سرزند، مربی آن را بی پاسخ نگذارند.
بلکه باید گفت به اقتضای این اصل لازم است، پاداش از حد عدالت درگذرد.

۶۶- فالقی السحره ماجدین

(ناگهان همه آنها (ساحران تحت تاثیر معجزه موسی) به سجده افتادند.)

اصل تحول باطن - روش اعطای بینش

نکته تربیتی:

در این روش، سعی بر آن است که تلقی آدمی از امور، دگرگون شود. ایجاد دگرگونی در تلقی افراد، از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال آنها است. بینش نوعی آگاهی عمیق و گسترده است. دگرگونی عجیب در روحیه ساحران به خاطر این بود که آنها علم و دانشی داشتند و در پرتو آن توانستند حق را از باطل بشناسد و دست به دامن حق زنند و به بینش برسند.

۶۲- قال کلا ان معی ربی سیمدین.

(موسی گفت: چنین نیست، پروردگار من با من است، به زودی مرا هدایت خواهد

کرد).

اصل تذکر- روش یادآوری نعمتها

نکته تربیتی:

این تعبیر ممکن است اشاره به همان وعده ای بوده باشد که خداوند به هنگام ماموریت دادن به موسی و هارون فرمود: من همه جا با شما هستم، می سنوم و می

بینم. به هر حال موعظه حسنه در این شیوه چنین صورت می پذیرد که مربی غفلت کنونی فرد یا جمع را در پرتو نعمتهایی که در گذشته به خود او یا آنان عطا شده می زداید و در او شور و رغبت تازه ای بر عمل فراهم می آورد.

۶۵- و انجینا موسی و من معه اجمعین.

(ما موسی و تمام کسانی را که با او بودند نجات دادیم.)

روش پاداش (تشویق)

این روش پس از سرافرازی در انجام یک آزمون یا انجام عمل مطلوب به منظور ترغیب بیشتر متربی اعمال می شود. در این داستان افرادی را که از پیروان موسی (ع) گشتند و از فرعون و اطرافیانش رویگردان شدند، خداوند به سلامت از دریا عبور داد، و بدین سام آنها را پاداش بخشید.

۶۶- ثم اغرقنا الاخرین.

(پس دیگران را غرق کردیم)

اصل عدل - روش مجازات به قدر خطا

نکته تربیتی:

طبق این روش، باید مجازات و میزان و نحوه آن، تابع خطای متربی باشد و عوامل دیگری چون وضع و حال مربی در حین مجازات، آن را تحت تاثیر نگیرد. ممکن است مربی، مجازات را تابع میزان غیظ خود قرار دهد، اما اصل عدل، مانع از آن است

که این گونه عوامل در مجازات دخالت ورزند. در این آیه غرق شدن فرعون و یارانش به دلیل نپذیرفتن فرمان الهی، عین عدل الهی است.

۶۷- ان فی ذلک لایه و ماکان اکثر هم مومنین.

(در این جریان نشان روشن است ولی اکثر آنها ایمان نیاورند)

اصل تذکر - روش عبرت آموزی

نکته تربیتی:

در این ماجرا نشانه روشن و درس عبرت بزرگی است، اما اکثر آنها ایمان نیاورند.

عبرت هم در پهنه آیات قدرت الهی در هستی راه دارد که ضمن آن، رموز نهفته پدیده

های هستی، گشوده می شود و هم در عرصه خطاهای خاطیان و آثار به جا مانده از

آنان. روش حاضر، از این دو، اختصاص به جنبه دوم دارد.

۶۸- و انک ربک لهو العزیز الرحیم.

(پروردگار تو هم عزیز است و هم رحیم)

اصل عنایت

نکته تربیتی:

عنایت در لغت به معنای " احسان کردن " و "بخشایش" آمده و عنایت الهی نیز به

مفهوم لطف و بخش الهی است. از رحمت اوست که در کار مجازات بندگان عجله

نمی کند، بلکه سالها مهلت می دهد، معجزه می فرستد اتمام حجت می کند و نیز از

رحمت اوست که این بردگان ستمدیده را از چنگال آن را با بان قلدر و زورگورهای

می بخشد. بر ط بق این اصل، رفتار مربی در قید رفتار مربی نیست، بلکه بر پایه اصالت رحمت، ابراز می شود.

و روش های تربیتی بر فضل و رحمتی از سمت مربی مبتنی خواهد بود.

۷۸- لاذی خلقنی فھویھدین.

(او کسی است که مرا آفرید، و هم او مرا هدایت می کند)

۷۹- و الذی یطعمنی و یسقین.

(او کسی است که مرا غذا می دهد و سیراب می کند)

۸۰- و اذا مرضت فھو یشفین.

(هنگامی که بیمار شوم. اوست که مرا شفا می دهد)

۸۱- و لاذی یمیتنی ثم یحیین.

(او کسی است که مرا می میراند و بار دیگر زنده می کند)

اصل تذکر- روش یادآوری نعمتها

نکته تربیتی:

موعظه در این شکل، مبتنی بر گذشته مخاطب است، آنچه را بر او گذشته و اکنون در

بوته اجمالی افتاده، به معرض دید می آورد، خصیصه اشتغال خاطر و نیشان آدمی،

موجب می شود که در زمان حال، غرق و از گذشته خویش غافل شود و دیگر فشار

تنگناهای پشت سرمانده و گشایش نعمتهای الهی در آن تنگناها را احساس نکند و از

آنچه مقتضای شکر آن نعمتها بوده بازماند.

در آیات بالا نیز، ابراهیم (ع) به توصیف پروردگار جهانیان و ذکر نعمتهای معنوی و مادی او می پردازد تا با ما مقایسه با بتها که نه دعای عابدان را می شنوند و نه سود و زیانی دارند مطلب کاملاً روشن شود.

در این شیوه/ مری باید تنگناها و گشایشهای زندگی تربی را در خاطر او زنده کند و او را برای به ثمر رساندن گشایشها و نعمتهایی که در اختیار اوست فرا خواند و به راه اندازد.

۸۸- یوم الاینفع مال و لابنون.

(در آن روز که منال و فرزندان سودی نمی بخشند)

اصل عدل - روش انداز

نکته تربیتی:

انذار به معنی آگاهاندن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می کند و مایه زجر و عذاب او خواهد بود. بر اساس روشن انداز باید مبری با آگاهی مناسبی که از اعمال تربی و آثار مترتب بر آن دارد، او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه کند و وی را از آن برحذر دارد.

بدیهی است که منظور این آیه از مال و فرزندان، مال و فرزندان نیست که در طریق جلب رضای خدا به کار گرفته شده باشند، بلکه تکیه روی جنبه های مادی مسئله است، منظور این است که سرمایه های مادی در آن روز مشکلی را حل نمی کند.

۹۰- و از لفت الجنه للمتقين.

(در آن هنگام بهشت به پرهیزگاران نزدیک می گردد)

اصل فضل - روش مبالغه در پاداش

نکته تربیتی:

اصل فضل ایجاب می کند که اگر از مربی عمل مطلوبی سرزند، مربی آن را بی پاسخ

نگذارد، بلکه باید گفت به اقتضای این اصل لازم است، پاداش از حد عدالت درگذرد

و مظهر "فضل" و "رحمت" باشد. در این آیه نیز نمی گوید:

پرهیزگاران را به بهشت نزدیک می کنند، بلکه می گوید/ بهشت را به آنها نزدیک می

سازند و این اشاره به مقام بسیار عظمت و پردازش آنها است.

۱۰۳- ان فی ذلک لایه و ماکان اکثر هم مومنین.

(در این ماجرا آیت و عبرتی است ولی اکثر آنها مومن نبودند.)

اصل تذکر - روش عبرت آموزی

نکته تربیتی:

عبرت، هم در پهنه آیات قدرت الهی در هستی راه دارد که ضمن آن، رموز تهفته پدیده

های هستی، گشوده می شود و هم در عرصه خطاهای خاطیان و آثار به جامانده از

آنان. روش حاضر، از این دو، اختصاص به جنبه دوم دارد.

۱۰۶- اذقال لهم اخوهم نوح الاتقون.

(به خاطر بیاور هنگامی که برادرشان نوح به آنها گفت: آیا پرهیزگاری پیشه نمی کنید)

اصل ابراز یا منع محبت - روش بیان مهر و قهر

نکته تربیتی:

تعبیر به " برادر " تعبیری است که نهایت پیوند محبت آمیز را بر اساس مساوات و برابری مشخص می کند. به زبان آوردن مهر، مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه تاثیرگذاری مربی و متربی است. از این رو به زبان آوردن مهر، در توصیه های اسلامی، مورد تاکید است.

۱۱۵- ان انا الا نذیر مبین.

(من فقط بیم دهنده آشکاری هستم)

اصل عدل- روش انذار

نکته تربیتی:

این روش در قرآن، وسیعاً مورد استفاده قرار گرفته، به نحوی که اساساً قرآن به عنوان " انذارگیری برای بشر " معرفی و نامگذاری شده است و لذا پیامبر (ص) نیز که بازگو کننده قرآن به مردم است، " انذارگر " نامیده شده است.

بر اساس روش انذار، باید مربی با آگاهی مناسبی که از اعمال متربی دارد او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه کند و وی را از آن برحذر دارد.

۱۱۹- فافتح بینی و بینهم فتحاً و نجنی و من معی من المومنین.

(ما، او و کسانی را که با او بودند در کشتی که مملو از انسان و انواع حیوانات) بود
رهایی بخشیدیم.)

روش پاداش

نکته تربیتی:

این روش، پس از سرافرازی در انجام یک آزمون یا انجام عمل مطلوب به منظور

ترغیب بیشتر مرتبی اعمال می شود. پاداش یا تشویق پس از بروز عمل ظهور می کند،

در اینجا نیز رحمت الهی به یاری نوح آمد و او مومنان را نجات داد.

۱۲۰- ثم اغرقنا بعد الباقین.

(سپس بقیه را غرق کردیم)

اصل عدل - روش مجازات به قدر خطا

نکته تربیتی:

طبق این روش، باید مجازات و میزان و نحوه آن، تابع خطای مرتبی باشد و عوامل

دیگری در حین مجازات، چون وضع و حال مرتبی، آن را تحت تاثیر نگیرد. ممکن

است مرتبی، مجازات را تابع میزان غیظ خود قرار دهد، اما اصل عدل، مانع از آن است

که این گونه عوامل در مجازات دخالت ورزد. در اینجا نیز رحمت الهی به یاری نوح

آمد و آنها را نجات داد ولی تکذیب کنندگان شامل این نجات نشدند و غرق شدند.

۱۲۴- اذقال لهم اخوهم هود الاتقون.

(هنگامی که برادرشان هود گفت: آیا تقوی پیشه نمی کنید؟)

اصل ابراز یا منع محبت - روش بیان مهر و قهر

نکته تربیتی:

مربی با بیان محبت آمیز نسبت به متربی، او را دلبسته خویش می گرداند. این دلبستگی بسیار قدرتمند و کارساز است و می توان با تکیه بر آن، فرد را آماده و بلکه طالب به دوش گرفتن تکالیف ساخت. در اینجا نیز هود (ع) در نهایت دلسوزی و مهربانی همچون یک "برادر" آنها را به توحید و تقوی دعوت کرد.

۱۳۲- و اتقوا الذی امرکم بما تعلمون.

(از خدا بترسید که شما را به نعمتهایی که می دانید امداد کرد)

اصل تذکر - روش یادآوری نعمتها

نکته تربیتی:

در این شیوه، مربی عظمت کنونی فرد یا جمع را در پرتو نعمتهایی که در گذشته به خود او یا آنان عطا شده می زداید و در او شور و رغبت تازه ای بر عمل فراهم می کند. در اینجا نیز هود (ع) نعمتهایی را که خدا به او و قوم عاد داده به یاد آنها می

آورد.

۱۳۵- انی اخاف علیکم یوم عظیم.

(من بر شما از عذاب روز بزرگ می ترسم)

اصل عدل - روش انذار

نکته تربیتی:

بر اساس روش انذار، باید صبری با آگاهی مناسبی که از اعمال متربی و آثار مترتب بر آن دارد، او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه کند و وی را از آن بر حذر دارد.

در اینجا نیز هود (ع) قومش را از عذاب روز قیامت (روز بزرگ) می ترساند.

۱۳۹- فکذبو فاهلکناهم ان فی ذلک لایه و ماکان اکثرهم مومنین.

(آنها هود را تکذیب کردند، ما هم نابودشان کردیم و در این آیات و نشانه ای است،

ولی اکثر آنها مومن نبودند)

اصل تذکر - روش عبرت آموزی

نکته تربیتی:

عبرت هم در پهنه آیات قدرت الهی در هستی راه دارد که ضمن آن، رموز نهفته پدیده

های هستی، گشوده می شود و هم در عرصه خطاهای خاطیان. روش حاضر، از این

رو، اختصاص به جنبه دوم دارد. در عبرت آموزی از خطا کاران، غالباً علم تازه ای

بدست نمی آید و مقصود دیدن مصادیق هزار چهره خطاهای معین و معلوم است.

۱۴۲- اذقال لهم اخوهم صالح الاتتقون.

(هنگامی که برادشان صالح به آنها گفت: آیا پرهیزگاری پیشه نمی کنید)

اصل ابراز یا منع محبت - روش بیان مهر و قهر

نکته تربیتی:

به زبان آوردن مهر، مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه

تاثیرگذاری مربی و متربی است. در اینجا نیز صالح (ع) با بیان محبت آمیز مانند یک

برادر دعوت خود را آغاز کرد.

۱۵۱- و لا تطیعوا امر المسرفین.

(و فرمان مسرفان را اطاعات نکنید)

۱۵۲- الذین یفسدون فی الارض و لایصلحون.

(همانها که در زمین فساد می کنند و هرگز اصلاح نمی کنند)

اصل ابراز یا منع محبت - روش بیان مهر و قهر

نکته تربیتی:

بیان قدر نیز همچون بیان مهر، قدرتمند است، زیرا قهر، منع قهر است و اگر مهر نافذ

باشد، منع آن نیز نافذ و برانگیزنده خواهد بود. نباید از این نیرومندی و تعیین کنندگی

غافل شد و به روش هایی چون زجر و تنبیه روی برد، چه این شیوه ها از حیث تاثیر

بسی فرتند. خداوند در برخورد با انسان، مکرراً این شیوه را به کار بسته و به جای

آن که از عذاب و عقاب سخن می گوید، بی مهری خود را نسبت به "عمل" و "گاه"

عامل " باز می گوید: خداوند دیوت ندارد شما فرمان مسرفان را اطاعت کنید.

۱۵۳- قالو انما انت من المسرحين.

(گفتند - ای صالح - تو عقل خود را از دست داده ای)

اصل جمل عامل انکار

نکته تربیتی:

این اصل بیانگر آن است که در بسیاری موارد، انکار و نفی ناشی از نادانی افراد به جنبه های مختلف یک موضوع است. در اینجا نیز قوم صالح گفتند: تو فقط بشریت همچون مایی و هیچ عقلی اجازه نمی دهد، از انسانی همچون خودمان اطاعت کنیم. طبق این اصل مربی این آگاهی را پیدا می کند که برخی اوقات عدم پذیرش تعلیمات وی ناشی از زمینه های نادانی متربی است.

۱۵۵- قال هذه ناقه لها شرب و لکم شرب یوم معلوم.

(گفت: این ناقه ای است که برای او سهمی از آب قریه است و برای شما سهم روز معینی)

اصل اصلاح شرایط - روش تغییر موقعیت

نکته تربیتی:

بر طبق این روش، از آنجا که شرایط مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی، مبدا تاثیرگذاری های متفاوتی بر انسان است. برای ایجاد حالات مطلوب در وی لازم است روابط او با شرایط مزبور را دچار تغییر سازیم. در اینجا نیز حضورت صالح (ع) پس از آنکه قوم، او را به بی عقلی متهم کردند، معجزه ای آورد تا شرایط را تغییر دهد.

۱۵۶- و لا تمسوها بسوء فیاخذکم عذاب یوم عظیم.

(کمترین آزاری به آن نرسانید که اگر چنین کنید عذاب روز عظیم شما را فراخواهد

گرفت)

اصل عدل - روش انذار

نکته تربیتی:

بر اساس روش انذار، باید مربی با آگاهی مناسبی که از اعمال متربی و آثار مترتب بر

آن دارد، او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه کند و وی را از آن برحذر دارد.

۱۵۸- فاخذهم العذاب ان فی ذلک لایه و ماکان اکثر هم مومنین.

(عذاب الهی آنها را فراگرفت، در این آیات و نشانه ای است ولی اکثر آنها مومن

نبودند.)

اصل تذکر- روش عبرت آموزی

نکته تربیتی:

موعظه در این شیوه نه برمحور خود فرد، بلکه با نظر به دیگران شکل می گیرد. خواه

این دیگران از پیشینیان باشد یا از همراهان. قرآن در پایان این ماجرا همان می گوید که

در پایان ماجرای قوم هود و قوم نوح و قوم ابراهیم بیان کرد، می فرماید:

در این سرگذشت قوم صالح، آیت و درس عبرتی است. مربی می تواند جهت دستیابی

به غابات تربیتی خود، از این روش استفاده کند. لازم به ذکر است که مربی قبلاً

تمهیدات لازم جهت عبرت آموزی متریبیان را باید فراهم نماید و یا حداقل از وجود آن شرایط در متریبیان مطمئن گردد.

۱۶۱- اذقال لهم اخوهم لوط الاتقون.

(در آن هنگام که برادرشان لوط به آنها گفت: آیا تقوا پیشه نمی کنید)

اصل ابراز یا منع جهت - روش بیان مهر و قهر

نکته تربیتی:

به زبان آوردن مهر، مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه تاثیرگذاری مربی و متربی است. در اینجا نیز لحن گفتار لوط (ع) و دلسوزی عمیق و فوق العاده اش نشان می داد که همچون یک برادر سخن می گوید.

۱۶۶- و تذرون ما خلق لکم ربکم من ازواجکم بل انتم قوم عادون.

(شما همسرانی را که خدا برایتان آفریده است رها می کنید، شما قوم تجاوزگری هستید)

اصل ابراز یا منع محبت - روش بیان مهر و قهر

نکته تربیتی:

یکی از مظاهر بارز بی مهری، "نکوهش" است. نکوهش کردن از ابراز بی مهری غلیظ تر و تندتر است، زیرا نکوهش جنبه ایجابی دارد و با تقبیح همراه است، اما بی مهری تنها سلب مهر است. خداوند این سبک بیان را در این آیه مورد استفاده قرار داده و عمل قوم لوط را نکوهش کرده است.

۱۷۰- فنجیناه و اهله اجمعین.

روش پاداش (تشویق)

نکته تربیتی:

این روش پس از سرافرازی در انجام یک آزمون یا انجام عمل مطلوب به منظور ترغیب بیشتر متربی اعمال می شود. در اینجا نیز خداوند، لوط (ع) و خاندانش را به خاطر ایمانشان نجات داد.

۱۸۱- اوفوا اکیل و لاتکونو من المخسرین.

(حق پیمانہ را ادا کنید - کم فروشی نکنید - و مردم را به خسارت نیفکنید.)

۱۸۲- و زنو بالقسط اس المستقیم.

(با ترازوی صحیح وزن کنید.)

۱۸۳- و لا تبخسوا الناس اشیاء هم و لا تعثوا فی الارض مفسدین.

(و حق مردم را کم نگذارید و در زمین فساد ننمائید.)

اصل ابراز یا منع محبت - روش بیان مهر و قهر

نکته تربیتی:

به زبان آوردن قهر و ابراز بی مهری، ترس از حرمان را در مخاطب، مخاطبی که دل بسته است، دامن می زند و همین ترس، عامل بازدارنده نیرومندی است که تخطی را مهار می کند. نباید از نیرومندی و تعیین کنندگی این روش غافل شد و به روشهایی چون زجر و تنبیه روی برد، چه این شیوه ها از حیث تاثیر بسی فروترند، خداوند در

برخورد با انسان مکرراً این شیوه را به کار بسته است و به جای آن که از عذاب و عقاب سخن بگوید، بی مهری خود را نسبت به "عمل" و گاه "عامل" مانند سه آیه بالا، باز می گوید.

۱۸۶- و ما انت الا بشر مثلنا و ان نظنک لمن الکاذبین.

(تو تنها بشری مثل ما هستی، تنها گمانی که درباره تو داریم این است که دروغگو باشی.)

اصل جهل عامل انکار

این اصل بیانگر آن است که در بسیاری موارد، انکار و نفی، ناشی از نادانی افراد به جنبه های مختلف یک موضوع است. با توجه به این اصل، مربی این آگاهی را پیدا می کند که برخی اوقات، عدم پذیرش تعلیمات وی ناشی از زمینه های نادانی متربی است. مانند این آیه که قوم شعیب، او را دروغگو و گاه مجنون، خواندند.

۱۸۹- فکذبوه فاخذهم عذاب یوم الظله انه کان عذاب یوم عظیم.

(سرانجام او را تکذیب کردند و عذاب روز "ابر سایه افکن" آنها را فرو گرفت که

عذاب روز بزرگی بود.)

اصل عدل - روش مجازات به قدر خطا

نکته تربیتی:

طبق این روش، باید مجازات و میزان و نحوه آن، تابع خطای متربی باشد و عوامل دیگری چون وضع و حال مربی در حین مجازات، آن را تحت تاثیر نگیرد. ممکن

است مربی، مجازات خود را تابع میزان غلیظ خود قرار دهد، اما اصل عدل، مانع از آن است که این گونه عوامل در مجازات دخالت کنند. در این آیه نیز، آنها شعیب را تکذیب کردند و به دنبال آن، عذاب آنها را فراگرفت.

۲۰۱- لایومنون به حتی یروا العذاب الالیم.

(آنها به آن - قرآن - ایمان نمی آورند تا عذاب دردناک را با چشم خود به بینند.)

اصل عدل - روش انذار

انذار به معنی آگاهاندن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می کند و مایه زجر و عذاب او خواهد بود. انذار نیز روشی مبتنی بر اصل عدل است. طبق اصل عدل، خدا آدمیان را به سبب بدکرداری، دچار مجازات و عذاب می سازد. بر اساس این روش، انذار مربی باید با آگاهی مناسبی که از اعمال مرتبی و آثار مترتب بر آن دارد، او را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبش آگاه کند و وی را از آن بر حذر دارد.

۲۰۸- و ما اهلکنا من قریه الا لها منذرون.

(ما هیچ شعر و دیاری را هلاک نکردیم مگر اینکه انذار کنندگانی برای آنها بود)

اصل عدل - روش انذار

نکته تربیتی:

عدل چون اصلی اصیل در تربیت اسلامی لحاظ شده است و ظلم در نگرش اسلامی یکی از کریه ترین ضد ارزش ها محسوب است. خداوند خود در رابطه با انسانها چنان عدل می ورزد که کمترین میزان ظلم را نیز از خود نفی می کند و

مربی در پیروی از اصل عدل، در مقام مجازات، انذار را مقدم می کند تا آن را از ظلم بر کنار دارد که انذار، منطق مجازات است و سرانجام به وقت مجازات، از قدر خطا در نمی گذرد.

۲۱۵- واخفض جناحک لمت اتبعک من المومنین.

(و بال و پر خود را برای مومنانی که از تو پیروی می کنند بگستر.)

اصل ابراز یا منع محبت - روش بیان مهر و قهر

نکته تربیتی:

این تعبیر زیبا کنایه از تواضع توأم با محبت و مهر و ملاحظت است.

ابراز محبت مربی به دل بستگی متربی جهت و سمت می دهد و حامل آن، ظهور

شیفتگی عمیق در متربی نسبت به مربی است. هنگامی که این شیفتگی حاصل شد، می

توان با ابراز محبت، فرد را به انجام برخی اعمال و با منع محبت او را به ترک اعمالی

برانگیخت.

۲۲۱- هل انبئکم علی من تنزل الشیاطین.

(آیا به شما خبر بدهم، شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟)

۲۲۲- تنزل علی کل افاک ائیم.

(آنها بر هر دروغگوی گناهکار نازل می گردند.)

روش اعطای بینش

در این روش سعی بر آن است که تلقی آدمی از امور دگرگون شود. ایجاد دگرگونی در تلقی افراد از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال آنهاست. خداوند با طرح سئوالی در آیه ۲۲۱ و جواب دادن آن در آیه ۲۲۲ سعی در اعطای بینش به انسانها دارد. اعطای بینش می تواند، با نقل برخی نکات آموزنده و مواجهه متربی با برخی موقعیت هایی که وی را ناچار به کسب بینش حدید نماید. صورت پذیرد.

بخش سوم:

اهداف تربیتی سوره شعراء

الف) اهداف اعتقادی و اخلاقی

- پرورش و تقویت روحیه تعقل و تفکر:

آیات ۸-۲۸-۶۸-۱۰۳-۱۲۱-۱۳۹-۱۷۴-۱۹۰

۱۹۰- در این (هلاکت قوم شعیب) آیت عبرت بزرگی برای دیگران بود لیکن اکثر

مردم باز به خدا ایمان نیاورند.

- پرورش روحیه مبارزه با همه مظاهر کفر، شرک، نفاق، فساد و تباهی:

آیات ۱۰-۶۶-۷۰-۷۳-۷۷-۱۲۰-۱۳۰-۱۳۹-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۸-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۸-۱۷۳-

۱۸۹-۲۰۲

۲۰۲- پس بناگاه وقت عذاب (مجرمان) که از آن غافل بودند بر آنها فرا می رسد.

اهداف پرورشی:

- تربیت بر اساس آداب و سنن اسلامی در جمیع شئون فردی و اجتماعی

آیات ۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۱-۱۵۲-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۸-۱۸۱-

۱۸۲-۱۸۳

۱۸۳- و آنچه به مردم می فروشید تمام بدهید و از وزن و پیمانہ کم نگذارید و در

روی زمین به ظلم و فساد کاری برنخیزید.

اهداف علمی و آموزشی:

- شناخت اسرار جهان آفرینش و قوانین طبیعت به عنوان آیات الهی آیه ۸- آیه آنها به

زمین نگاه نکردند چه بسیار گیاهان از انواع مختلف، نر و ماده، زیبا و جالب و پرفایده

در آن آفریدیم (زوجیت در گیاهان)

اهداف اجتماعی:

- پرورش روحیه پاسداری از قداست و استواری بنیان و روابط خانواده بر پایه حقوق

و اخلاق اسلامی

آیات ۱۶۵-۱۶۶-۱۶۸

۱۶۸- من دشمن اعمال شما هستم. (مبارزه با همجنس گرایی)

- پرورش روحیه تحقق بخشیدن به قسط و عدل اجتماعی و اقتصادی اسلام و

پاسداری از آن.

آیات ۱۳۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳

۱۳۰- و هنگامی که کسی را مجازات می کنید همچون جباران کیفر می دهید.

- پرورش روحیه اخوت ایمانی

آیات ۱۰۶-۱۲۴-۱۴۲-۱۶۱-۲۱۵

۲۱۵- و پر و بال مرحمت بر تمام پیروان با ایمانت بتواضع بگستران.

اهداف اقتصادی:

- پرهیز از اسراف و تبذیر

آیات ۱۵۱-۱۵۲

۱۵۱- و اطاعت فرمان مسرفان نکنید

- پرورش روحیه مبارزه با بهره کشی اقتصادی و اجحاف

آیات ۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲

۱۸۱- حق پیمانانه را ادا کنید (و کم فروشی نکنید) و مردم را به خسارت نیفکنید.

www.kandooch.com

www.kandooch.com

www.kandooch.com

منابع و ماخذ:

- باقری، خسرو، ۱۳۸۲. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه.
- شرفی، محمدرضا، ۱۳۸۳، جزوه درسی تعلیم و تربیت اسلامی، دوره کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.د
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۲، تفسیر نمونه، جلد پانزدهم، قم: مدرسه امام امیرالمومنین.